

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه بین‌المللی امام خمینی



IMAM KHOMEINI
INTERNATIONAL UNIVERSITY

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

دانشگاه بین‌المللی امام خمینی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه تاریخ

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته تاریخ گرایش انقلاب اسلامی

عنوان:

روابط سیاسی ایران و آمریکا ۱۳۵۷ - ۱۳۵۵

استاد راهنما:

آقای دکتر حسین آبادیان

استاد مشاور:

آقای دکتر حجت فلاح توتکار

دانشجو:

فریبا اسدی

مهر ۱۳۹۰

تقدیم به:

پدر و مادر عزیزم

که همواره در هر امری، پشتیبان و حامی ام بوده اند
و با محبت بی دریغشان، مرا در مسیر تحصیل همراهی نمودند.

تقدیر و تشکر

در ابتدا لازم می دانم از تمام اساتید و هیات علمی گروه تاریخ دانشگاه بین المللی امام خمینی تشکر ویژه ای داشته باشم که محیط آموزشی را به محیطی دوستانه برای یادگیری و آموزش هر چه بیشتر دانشجویان تبدیل کردند و از هر کدام نکاتی مفید و آموزنده آموختم. به ویژه لازم است از آقایان دکتر حسین آبادیان استاد راهنما و دکتر حجت فلاح توتکار استاد مشاور که نکاتی مفید و مؤثر برای نگارش این رساله مطرح کردند تشکر به خصوصی داشته باشم. شاید لازم به یادآوری باشد که رساله این جانب تابستان سال گذشته نگاشته شده بود، ولی متأسفانه به دلیل سانحه سرقت بخشی از اموال منزل پدری، لپ تاپ این جانب هم به سرقت رفت، بنابراین لازم بود بار دیگر از آغاز، این رساله نگاشته شود. اگر تشویق ها و دلگرمی های استاد راهنما نبود، شاید انگیزه خود را از دست می دادم، اما همین پشتگرمی ها بود که باعث شد بار دیگر نگارش رساله را آغاز نمایم. بنابراین لازم است از کلیه مسئولینی که برای ادامه تحصیل اینجانب تلاش کردند، قدردانی نمایم.

از مسئولین کتابخانه دانشگاه بین المللی امام خمینی که همکاری های قابل ستایشی با این جانب داشتند تشکر می کنم. همچنین از مسئولین حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی به ویژه آقایان هدایت الله بهبودی و جعفر گلشن که با محبت تمام اجازه دادند از منابع کتابخانه حوزه و به ویژه بولتن های خبرگزاری پارس - جمهوری اسلامی فعلی - استفاده کنم، کمال تشکر را دارم. همکاری مسئولین بخش کتابخانه و بولتن های حوزه هنری با محبتی وصف ناشدنی همراه بود و شرایط لازم را برای مطالعه و استفاده از منابع را برای نگارنده فراهم نمودند. دوست عزیزم خانم زهرا حیدری رفعت نیز با محبت تمام، کمک های ارزنده ای برای استفاده از منابع حوزه هنری کردند.

چکیده

رساله حاضر روابط سیاسی ایران و امریکا را از دوره ریاست جمهوری کارتر تا پیروزی انقلاب اسلامی مورد بحث قرار می دهد. این روابط، منجر به یک سلسله تحولات بی سابقه در کشور شد که توازن قدرت را در خاورمیانه متحول کرد. روش این رساله بررسی جزئی تحولات این دوره است، در این راستا از منابع و مآخذ مختلف شامل کتاب ها، خاطرات، روزنامه ها، اسناد منتشر شده و مطالب روزنامه ها و جراید استفاده شده است. بنابراین حوادث سیاسی داخلی ایران و ارتباط آن با تحولات رابطه ایران و امریکا مورد بحث واقع شده است، با این که منابع و مآخذ این دوره بسیار فراوانند، اما در کلیه آن ها حوادث این دوره از نگاه خاص راویان مورد بحث واقع شده است، پس نگاه های متفاوت نسبت به حوادث این دوره، کار نگارش رساله را دشوار کرده است. نقطه آغاز رساله حاضر دی ماه سال ۱۳۵۵ و خاتمه آن پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ است، در این فاصله، سعی شده کلیه حوادث مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند.

کلید واژه ها: شاه، کارتر، حقوق بشر، روابط ایران و امریکا، گروه های سیاسی، انقلاب اسلامی

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل مقدماتی	۱
فصل نخست: روابط سیاسی ایران و امریکا در سال ۱۳۵۵	۸
۱ - پیشینه روابط	۹
۲ - اوضاع داخلی ایران مقارن به قدرت رسیدن کارتر	۱۴
۳ - انتخابات ریاست جمهوری امریکا در سال ۱۳۵۵	۲۴
۱ - ۳ فضای سیاسی امریکا قبل از انتخابات	۲۵
(۱) شکست امریکا در ویتنام	۲۵
(۲) کنفرانس جهانی خلع سلاح هلسینکی	۲۶
(۳) رسوائی واترگیت	۲۶
۲ - ۳ جیمی کارتر کیست؟	۲۸
۳ - ۳ برنامه های کارتر	۲۹
۴ - ۳ سیاست خارجی کارتر	۳۰
(۱) توجه به حقوق بشر	۳۱
(۲) محدود ساختن مسابقه تسلیحاتی	۳۳
۵ - ۳ گروه همکار کارتر	۳۳
۶ - واکنش شاه به انتخابات در امریکا	۳۵

۴۱	۷ - رابطه ایران و امریکا پس از انتخابات کارتر
۵۹	فصل دوم: روابط سیاسی ایران و امریکا در سال ۱۳۵۶
۶۳	۱ - سفر سایروس ونس به ایران
۶۶	۲ - ورود سفیر جدید امریکا به ایران
۷۱	۳ - فضای ایران پس از انتخابات در امریکا
۸۰	۴ - سفر فرح دیبا به امریکا
۸۸	۵ - جمشید آموزگار و فضای باز سیاسی
۹۸	۶ - سفر شاه به امریکا
۱۰۲	۱ - ۶ تظاهرات ضد شاه در امریکا
۱۰۶	۲ - ۶ مذاکرات شاه و کارتر
۱۰۹	۳ - ۶ ضیافت کارتر برای شاه
۱۱۵	۷ - سفر کارتر به ایران
۱۱۷	۱ - ۷ آغاز فعالیت های ضد امریکایی در ایران
۱۱۹	۲ - ۷ مذاکرات طرف های ایرانی و امریکایی در تهران
۱۲۱	۳ - ۷ ضیافت شاه برای کارتر
۱۲۵	۸ - سفر فرح به امریکا
۱۲۸	۹ - قیام ۱۹ دی قم
۱۳۹	۱۰ - قیام ۲۹ بهمن تبریز

فصل سوم: روابط سیاسی ایران و امریکا در سال ۱۳۵۷.....	۱۴۹
۱ - آغاز ناآرامی های سیاسی دنباله دار در ایران	۱۵۲
۲ - حکومت نظامی در اصفهان	۱۸۲
۳ - جعفر شریف امامی و سیاست آشتی ملی	۱۸۶
۴ - حکومت نظامی و ۱۷ شهریور در تهران	۱۹۸
۵ - نخست وزیری غلامرضا ازهاری و دولت نظامی	۲۴۶
۶ - نخست وزیری شاپور بختیار و سقوط رژیم پهلوی	۲۹۶
۱ - ۶ ماموریت هایزر در تهران	۳۰۹
۲ - ۶ خروج شاه از ایران و حواشی آن	۳۱۷
۳ - ۶ کنفرانس گوادلوپ	۳۲۰
نتیجه	۳۵۳
منابع و مأخذ	۳۵۵

فصل مقدماتی

طرح مسئله:

روابط ایران و آمریکا از زمان کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ تا پیروزی انقلاب اسلامی فراز و نشیب های متعددی را طی کرد. بلافاصله بعد از کودتا شرکتهای بزرگ نفتی امریکایی در منابع نفتی کشور سهمیم شدند، اما این موضوع دلیل بر این نبود که امریکا کلیه تحولات ایران را با نگاه مثبت ارزیابی می کند. به واقع در کنار روابط رسمی دو کشور، شواهدی از برخی اختلاف نظرها وجود داشت، نقطه اوج این اختلافات در مورد نگاه امریکایی ها به مسئله آزادی های سیاسی مشاهده می شد، به طوری که طبق نظر امریکایی ها، شاه به تأسیس دو حزب مردم و ملیون تن داد تا نشان دهد اصول نظام مشروطه در کشور در حال انجام است. اما این موضوع به خودی خود نتوانست رضایت آن ها را جلب کند. به طوری که برخی نیروهای امریکایی، سفیر وقت ایران در واشنگتن یعنی دکتر علی امینی را به عنوان بهترین گزینه برای انجام اصلاحات سیاسی تلقی می کردند. در واقع، حزب دمکرات آمریکا به امینی به عنوان فردی نگاه می کرد که می توانست با اصلاحاتی چند، مانع رواج کمونیسم در ایران شود. برخی نیروهای امریکایی حتی دست به اقداماتی شتابزده و عجیب زدند که هر چند ناکام ماندند، لیکن نشانه ای بود از نارضایتی امریکا از اوضاع سیاسی داخلی کشور؛ یکی از مهمترین این اقدامات نوعی حمایت از طرح کودتای سرلشکر ولی الله قره نی بود که البته به شکست منجر گردید.

بلافاصله بعد از این موضوع، شاه، امینی را از امریکا فراخواند، اما از این به بعد، دولت امریکا روی دو موضوع تکیه کرد: حمایت مکرر از امینی و تشکیل کانون مترقی که بعداً در دوره نخست وزیری حسنعلی منصور به حزب ایران نوین تغییر نام داد. در این زمان جان فیتز جرالند کندی از حزب دمکرات ریاست جمهوری امریکا را بر عهده داشت. منابع تاریخی این دوره متفق القولند که کندی، شاه را برای انجام پاره ای اصلاحات تحت فشار قرار داده بود، همین موضوع باعث بروز برخی حوادث شد که پرداختن به آن ها از

حاصله این بحث خارج است. اما از این زمان به بعد روند تحولات به گونه ای شکل گرفت که امریکایی ها برای نخستین بار در تاریخ معاصر ایران، توانستند موقعیت های مهمی در کشور به دست آورند و سطح روابط دو کشور، آشکارا ارتقاء پیدا کرد.

گسترش روابط در دوره ریاست جمهوری ریچارد نیکسون افزایش یافت، به گونه ای که قراردادهای مهم نظامی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بین دو کشور منعقد گردید، به واقع دوره ریاست جمهوری نیکسون که روابط شخصی زیادی با شاه داشت، اوج روابط دو کشور ایران و امریکا محسوب می شود. در همین دوره، امریکا چشم خود را بر موضوع حقوق بشر در ایران بست، این موضوع، باعث شکل گیری فضای پلیسی و امنیتی در ایران شد و ساواک توانست کلیه نیروهای سیاسی مخالف رژیم را سرکوب نماید. فضای اختناق با تعطیلی فعالیت های کلیه احزاب سیاسی طرفدار حکومت همراه بود و در اسفند ماه سال ۱۳۵۳ با تشکیل حزب واحد رستاخیز، حتی احزاب دولتی هم از فعالیت بازماندند، همچنین مطبوعات به شدت تحت فشار قرار گرفتند و اکثر مطبوعاتی که حتی مورد حمایت دربار بودند، تعطیل شدند.

در دوره ریاست جمهوری جerald فورد از حزب جمهوری خواه، این روابط کماکان ادامه یافت، امریکا آشکارا به شکلی بدون قید و شرط از شاه و اقدامات او حمایت می کرد، لیکن حزب دمکرات، موضعی نسبتاً انتقادی داشت، به گونه ای که در آستانه انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۷۶م، جیمی کارتر کاندیدای حزب دمکرات برای ریاست جمهوری، موضوع حقوق بشر را به عنوان یکی از کلیدی ترین شعارهای انتخاباتی خود قرار داد. بدیهی است رژیم شاه مورد انتقادات این حزب واقع شد، حزب دمکرات بر این باور بود که با وجود فضای بسته سیاسی و فاصله عظیم اقتصادی بین اقشار گوناگون مردم، امکان شورش های اعتراضی وجود خواهد داشت و اگر چنین شورش هایی به وقوع می پیوست، شوروی نی توانست از آن ها بهره برداری کند. در نهایت کارتر به ریاست جمهوری امریکا انتخاب شد و شاه خود را ناچار دید که به نوعی اصلاحات تن در دهد. رساله حاضر فراز و نشیب های روابط ایران و امریکا را از بدو انتخاب کارتر به

ریاست جمهوری تا وقوع انقلاب اسلامی به بحث می گذارد و نشان می دهد انتخاب کارتر چه تحولاتی در وضعیت داخلی ایران به وجود آورد.

پیشینه تحقیق

در مورد روابط ایران و امریکا در دوره ریاست جمهوری کارتر کتاب ها و مقالات فراوانی منتشر شده است، به طور مثال می توان به بخشی از کتاب سیاست خارجی امریکا و شاه نوشته مارک گازیوروسکی اشاره کرد. همچنین کتاب شیر و عقاب نوشته جیمز بیل بخشی از تحولات روابط سیاسی این دوره را به بحث می گذارد. کتاب های دیگر به خاطرات رجال سیاسی ایران و امریکا اختصاص دارند، مثلاً پیر سالینجر در کتاب امریکا در بند، در بخش مقدماتی کتاب خود رویدادهای این دوره را به بحث گذاشته است. ژنرال رابرت هایزر معاون فرماندهی نیروهای ناتو در اروپا در کتاب مأموریت مخفی هایزر در تهران، حوادث این دوره را از منظری متفاوت مورد ارزیابی قرار داده است. به علاوه، می توان خاطرات سفرای انگلیس و امریکا را مورد توجه قرار داد، سرآنتونی پارسونز سفیر کبیر انگلیس در ایران در کتاب غرور و سقوط زمینه های منجر به انقلاب اسلامی را بررسی کرده و البته به مناسبات امریکا و ایران هم اشاراتی کرده است. ویلیام سولیوان سفیر کبیر امریکا در تهران در کتاب مأموریت در تهران، اطلاعاتی در خور توجه از روحیات شاه و روابط دو کشور ایران و امریکا ارائه کرده است که آقای محمود طلوعی هر دو کتاب را در یک مجلد ترجمه نموده و بخش هایی از خاطرات کارتر، ونس و برزینسکی را در انتهای آن آورده است.

این ها همه نمونه ای است از صدها جلد کتابی که درباره انقلاب اسلامی نوشته شده اند و البته نگاهی هم به تحولات روابط سیاسی ایران و امریکا در دوره ریاست جمهوری کارتر دارند.

اما غیر از خارجی‌هایی که در این زمینه مطالبی نوشته‌اند، کتاب‌ها و خاطرات مسئولین، مخالفین و سیاسیون ایرانی هم بسیار قابل توجهند. دهها جلد کتاب هم از منظر روایان ایرانی نوشته شده است که مانند کتاب‌های خارجی، فقط می‌توان به نمونه‌ای از آن‌ها اشاره کرد. از بین کتاب‌های خاطرات رجال پهلوی، خاطرات فریدون هویدا نماینده ایران در سازمان ملل متحد، پرویز راجی سفیر کبیر ایران در بریتانیا با عنوان خدمتگزار تخت طاووس، اعترافات ژنرال یا همان خاطرات ارتشبد عباس قره‌باغی رئیس ستاد مشترک ارتش در واپسین روزهای رژیم پهلوی، خاطرات مینو صمیمی از نزدیکان فرح پهلوی با عنوان پشت پرده تخت طاووس و ده‌ها مورد دیگر اشاره کرد که نکاتی قابل توجه در مورد روابط ایران و آمریکا ارائه نموده‌اند.

بخشی از این خاطرات، ثمره گفتگوهای حبیب‌الله لاجوردی با رجال سیاسی و مخالفین رژیم پهلوی است که در چارچوب طرحی از سوی دانشگاه هاروارد انجام شده است، به طور نمونه می‌توان به خاطرات علی‌امینی، خاطرات شاپور بختیار، خاطرات حاج‌علی کیا و موارد مشابه دیگر اشاره کرد. خاطرات مبارزین و مخالفین سیاسی شاه هم حجم بالایی از اخبار این دوره را ارائه می‌دهد، خاطرات علما و روحانیون این دوره توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شده که بالغ بر ده‌ها جلد کتاب است. در این زمینه، می‌توان به خاطرات دکتر ابراهیم یزدی با عنوان آخرین تلاشها در آخرین روزها و کتاب مهندس مهدی بازرگان تحت عنوان انقلاب ایران در دو حرکت، اشاره کرد. علاوه بر این‌ها گفتگوها و اخبار فراوانی از حوادث این دوره در لابلای مطبوعات وجود دارند که خود نشانی است از اهمیت موضوع. حجم مقالات و گزارش‌های مربوط به این دوره هم قابل توجه است، این منابع همه در فهرست منابع این رساله ذکر شده‌اند.

هدف و پرسش اصلی این رساله

با اینکه منابع و مآخذ فراوانی در مورد روابط سیاسی ایران و آمریکا در دوره مورد بحث نوشته شده است، لیکن اطلاعات موجود پراکنده‌اند. دیگر این‌که روایان گوناگون،

حوادث سیاسی را از نگاه خود مورد ارزیابی قرار داده اند که البته امری است طبیعی. بنابراین پایان نامه حاضر، تلاش دارد از میان انبوه اسناد، مقالات، کتاب ها، گفتگوها، اخبار و گزارش ها اطلاعاتی گویا، منظم و سازمان یافته در مورد موضوع مورد بحث ارائه نماید. در واقع هدف رساله این است تا نشان دهد تحولات سیاسی داخلی امریکا چه نقشی در مناسبات سیاسی این کشور با ایران بر عهده داشت؟ این پرسش اصلی رساله حاضر است، در این ارتباط، پرسش های فرعی دیگری هم مطرح شده اند که مورد بحث قرار گرفته اند.

روش تحقیق

در این رساله، تلاش شده تا حوادث به شکل جزئی مطرح شوند و از درون طرح مباحث جزئی، موضوع کلی روابط ایران و امریکا استخراج شود و عوامل اساسی تحولات روابط دو کشور مورد ارزیابی قرار گیرد. در این راستا سعی شده از کلیه منابع موجود استفاده شود، به همین دلیل در بخش عظیمی از رساله حاضر، نیمی از صفحات به پاورقی اختصاص دارد. در جاهائی که روایات مشابه است، در پاورقی فقط به ذکر منابع پرداخته شده است، در همین ارتباط اگر روایات با همدیگر تفاوت و یا تعارض داشته اند، سعی شده است هر دو روایت نقل شود تا از یک سونگری جلوگیری به عمل آید. بدیهی است در مواردی دیگر یک راوی به خصوص موضوعی را طرح کرده که در سایر منابع وجود ندارد و یا این که با اندکی اختلاف نقل شده است. هدف نگارنده این بوده که روابط دو کشور از زوایای مختلف ارزیابی شود و البته در این زمینه تلاش شده است از اعمال نظر شخصی خودداری به عمل آید.

منابع و دشواری های نگارش این رساله

منابع این رساله بسیار متنوع و متعددند، از کتاب های خاطرات گرفته تا شرح حال رجال این دوره، از مقالات مطبوعات گرفته تا مصاحبه های کسانی که به نوعی در

حوادث این زمان دخالت داشته اند. طبیعی است با این حجم از منابع که به صدها مورد بالغ میشود، دست یابی به روایتی یکسان از حوادث دوره ریاست جمهوری کارتر غیرممکن است. هر روایت کننده ای تلاش کرده یا خود را تبرئه نماید، یا ریشه تحولات را به تصمیم های کاخ سفید مرتبط کند و یا این که گرایش های سیاسی خود را مطرح نماید. به طور مثال، با این که پرویز راجی سفیر شاه در انگلستان بوده است، اما خاطرات او به گونه ای، منتقد اوضاع بوده است. شاه نیز در کتاب پاسخ به تاریخ خود سعی کرده سقوط خود را به تصمیم های بریتانیا و امریکا ربط دهد، امری که مورد انکار سولیوان و پارسونز سفرای امریکا و انگلیس در تهران قرار گرفته است. فریدون هویدا با این که خود نماینده شاه در سازمان ملل بوده، اما خاطراتش را به گونه ای نوشته است که این گمان را به ذهن منتقل می کند که می خواهد نسبت به سرنوشت امیرعباس هویدا برادرش که نخست وزیر سیزده ساله شاه بود، واکنش نشان دهد و آن را به شخص شاه ارتباط دهد. ولادیمیر کوزیچکین مأمور نفوذی دستگاه اطلاعاتی ام آی شش در کا گ ب، روایتی خاص خود ارائه می کند، به همین ترتیب، جیمز بیل تلاش دارد با نوعی همدلی نسبت به انقلاب مردم ایران، سیاست امریکا را در مقابل شاه مورد انتقاد قرار دهد، همین روایت در نگاه مارک گازیوروسکی استاد علوم سیاسی دانشگاه لوئیزیانا قابل مشاهده است. جان دی استمپل کاردار سفارت امریکا به هنگام بحران گروگانگیری هم به نوعی منتقد سیاست خارجی امریکا در مقابل شاه است، باری روبین در کتاب جنگ قدرتها در ایران، تحولات داخلی کشور را ناشی از رقابت های بلوک شرق و غرب ارزیابی می کند، و ماروین زونیس مأمور سابق سیا، شخصیت شاه را از نگاهی روانشناسانه مورد نقد قرار می دهد. به این موضوع ها در لابلای این رساله اشارات فراوانی صورت گرفته است، اما همین مختصر خود نشان میدهد که نگارش تاریخ این مقطع از روابط ایران و امریکا تا چه حد دشوار است و دسترسی به نگاهی واحد به تحولات، تا چه اندازه بعید به نظر می رسد. بدیهی است مخالفین رژیم شاه هم هر کدام به نوعی تلاش می کنند نقش خود را در تحولات برجسته نمایند، آن ها هم از نگاه خود تحولات این زمان را مورد نقد و ارزیابی قرار می دهند.

دشوارترین بخش نگارش این رساله مربوط است به مقالات مطبوعات و اسناد. دسترسی به اسناد منتشر نشده عملاً کاری بود غیرممکن زیرا وزارت امور خارجه، سندی منتشر نشده به نگارنده ارائه ندادند. آن بخش از اسناد هم که منتشر شده اند تا حد امکان در این رساله مورد بررسی واقع شده اند. دو تا از مهمترین مجموعه اسنادی این رساله عبارتند از انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک و اسناد لانه جاسوسی امریکا. در این اسناد هم روایات ضد و نقیض فراوان مشاهده می شود، که تلاش شده تا حد ممکن از کلیه آن ها استفاده شود. مطالب مطبوعات فراوانند و در آن ها هم نگاه های متفاوت قابل مشاهده است. سعی شده است از کلیه تفاسیر ممکن برای نگارش این رساله استفاده شود. در این راستا مقالات مجله خواندنیها و روزنامه های کیهان و اطلاعات، ماهنامه تلاش و دنیا مورد استفاده واقع شده اند. البته لازم به ذکر است که روزنامه های کیهان و اطلاعات در سال ۱۳۵۵ متأسفانه یافت نگردید و فقط دسترسی به برخی قسمت های سال ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ حاصل گردید. به همین دلیل به جای آن سعی شد از برخی مجلات مربوط به این دوره بهره گرفته شود.

دیگر منابع این رساله مربوطند به اخبار و گزارش های خبرگزاری پارس، متأسفانه این منابع بسیار غنی تابستان امسال به دست نگارنده رسید، اما حجم اطلاعات و اخبار این خبرنگارها به اندازه ای است که استفاده از آن ها در فاصله زمانی کوتاه مدت غیرممکن است، اما برای غنای این رساله از این گزارش ها و اخبار هم تا حدی استفاده شده است. بحث پیرامون کلیه منابع مورد استفاده در این رساله می تواند صفحات بسیاری را اشغال کند که شاید ضروری نباشد، اما کلیه منابع در پاورقی ها و فهرست منابع ذکر شده اند.

فصل نخست:

روابط سیاسی ایران و امریکا در سال ۱۳۵۵

۱ - پیشینه روابط

برای فهم بحث روابط سیاسی ایران و آمریکا در دوره منتهی به انقلاب، پیش از همه لازم است چشم اندازی از روابط دو کشور در دوره سلطنت محمدرضا شاه پهلوی ترسیم نمائیم و آنگاه وارد بحث اصلی شویم. روابط ایران و آمریکا را در دوره پهلوی دوم می توان به این صورت تقسیم بندی کرد:

دوره اول: از خروج رضاشاه از ایران در ۱۳۲۰ تا پایان جنگ جهانی دوم.

دوره دوم: از پایان جنگ جهانی دوم تا کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲.

دوره سوم: از کودتای ۲۸ مرداد تا پیروزی انقلاب اسلامی در ۱۳۵۷.

به هنگام خروج رضاشاه از کشور با اشغال ایران به وسیله نیروهای متفقین در دومین جنگ جهانی^۱ دوره پهلوی دوم آغاز گردید. روابط دو کشور ایران و آمریکا تا قبل از این دوره، بسیار مختصر بود^۲ البته، از همان ابتدای دهه ۲۰ شمسی، احمد قوام نخست وزیر، سعی کرد آن را گسترش دهد.^۳ بعد از پایان جنگ، ایران و آمریکا بر روی هم اثر گذار بودند و این منافع مشترک بود که آن ها را به هم پیوند می داد.^۴ آمریکا پس از اتمام جنگ در خروج نیروهای شوروی از خاک ایران کمک نمود.^۵ این اقدام، یک باب محکم برای روابط مستحکم تر گشود^۶ و در درازمدت باعث گسترش نفوذ و مداخله آن کشور در ایران گردید.^۷ به این ترتیب با تمایل دولتمردان ایرانی، آمریکا به اثر گذارترین نیروی سوم در روابط خارجی در دوران پهلوی^۸ و در اواخر دهه ۲۰ و اوایل دهه ۳۰ شمسی، به

^۱ تحولات سیاسی اجتماعی ایران ۱۳۵۷ - ۱۳۲۰، به کوشش مجتبی مقصودی، تهران، روزنه، چاپ دوم، ۱۳۸۶، ص ۲۵.

^۲ اسناد لانه جاسوسی، ج ۸، به کوشش دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، بی جا، بی تا، ص ۱۵۷.

^۳ استمپل، جان. دی، درون انقلاب ایران، ترجمه: منوچهر شجاعی، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ اول، ۱۳۷۷، صص ۱۸-۱۷؛ نک: آبادیان، حسین، دو دهه واپسین حکومت پهلوی، تهران، موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، چاپ سوم، تابستان ۱۳۸۷، ص ۱۹.

^۴ اطاعت، جواد، «ایران و آمریکا: رویارویی یا تعامل؟»، *ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، تهران، اطلاعات، س ۲۳، ش ۱۱ و ۱۲، مرداد و شهریور ۱۳۸۸، ص ۴.

^۵ استمپل، پیشین، ص ۹۰، نک: گازیوروسکی، مارک. ج، «روابط امنیتی ایران و ایالات متحده ۱۹۷۸ - ۱۹۵۳»، در نه شرقی - نه غربی، (بررسی روابط ایران با اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا)، ترجمه: الهه کولائی، ابراهیم متقی و داوود آقایی، تهران، میزان، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۶.

^۶ استمپل، پیشین، ص ۱۷.

^۷ ذوقی، ایرج، مسائل اقتصادی و سیاسی نفت ایران، تهران، پازنگ، چاپ ششم، پاییز ۱۳۸۱، ص ۲۰۱.

^۸ موسوی نیا، سیدرضا، «دل بستن به نیروی سوم، راهبردی بی سرانجام در روابط خارجی ایران»، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، تهران، اطلاعات، س ۲۲، ش ۹ و ۱۰، خرداد و تیر ۱۳۸۷، ص ۱۹؛ نک: آبراهامیان، یرواند، ایران بین دو انقلاب، ترجمه: احمد گل محمدی، محمد ابراهیم فتاحی و لیلایی، تهران، نی، چاپ پانزدهم، ۱۳۸۸، ص ۲۲۰.

یکی از متحدین امریکا بدل شد.^۱ البته شاه نیز برای پایان دادن به قدرت دیرینه روس و انگلیس در ایران تمایل داشت به یک نیروی سوم و آن هم امریکا نزدیک شود.^۲

یکی از اولین دخالت های امریکا در امور داخلی ایران در دوره حکومت ترومن و با سیاست جلوگیری از گسترش نفوذ شوروی آغاز گردید که در حکومت آیزنهاور نیز ادامه یافت.^۳ در ادامه این سیاست، امریکا با نقش موثر در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲^۴، سقوط دکتر محمد مصدق و بازگرداندن شاه به قدرت، مرحله جدیدی از روابط را با ایران آغاز نمود. دخالت امریکا در کودتا و حمایتش از شاه باعث شد تا چهره اش نزد مردم ایران مخدوش شود.^۵ پس از آن، روابط ایران و امریکا همه جانبه شد، گسترش یافت و اوج گرفت. بعد از کودتا، شاه به مهره اصلی سیاست خارجی امریکا در خاورمیانه تبدیل شد^۶ و ایران متاثر و تحت نفوذ سیاست های امریکا قرار گرفت.^۷

امریکا سعی کرد از شاه، دیکتاتوری توانا در مقابل شوروی بسازد. در همین راستا بود که ساواک یا سازمان اطلاعات و امنیت کشور با کمک آن ها تاسیس گردید.^۸ این کشور بودجه ای نیز برای کمک های اقتصادی و نظامی به ایران در نظر گرفت.^۹ منافعی که در آن زمان، ایران برای امریکا داشت، عبارت بود از: (۱) مانعی برای اهداف شوروی (۲) دسترسی به موقعیت بی نظیر سیاسی جغرافیایی ایران (۳) تهیه نفت برای امریکا و متحدانش (۴) توسعه و پیشرفت ثبات منطقه ای.^{۱۰}

^۱ . گازپوروسکی، مارک ج، سیاست خارجی آمریکا و شاه، (ایجاد یک حکومت سلطه پذیر در ایران)، ترجمه: جمشید زنگنه، تهران، رسا، چاپ دوم، ۱۳۷۳، ص ۴۱۰؛ نک: استمپل، پیشین، ص ۹۰.

^۲ . خاطرات سپهبد حاجی علی کیا، به کوشش حبیب لاجوردی، تهران، زیبا، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۱، ص ۴۷.

^۳ . واتکینز، اریک، «چهره عربان سیاست آمریکا در خاورمیانه»، ترجمه: مرتضی میرمطهری، ماهنامه اطلاعات سیاسی -

اقتصادی، تهران، اطلاعات، س ۱۱، ش ۷ و ۸، فروردین و اردیبهشت، ۱۳۷۶، ص ۱۴۰.

^۴ . میلانی، محسن، شکل گیری انقلاب اسلامی (از سلطنت پهلوی تا جمهوری اسلامی)، ترجمه: مجتبی عطارزاده، تهران:

گام نو، چاپ پنجم، ۱۳۸۷؛ ص ۹۴؛ نک: آبادیان، پیشین، ص ۲۰؛ استمپل، پیشین، ص ۹۵.

^۵ . بیل، جیمز، عقاب و شیر، ج ۲، ترجمه: مهوش غلامی، تهران، نشر کوبه، چاپ اول، بهار ۱۳۷۱، ص ۶۵۹؛ نک: استمپل،

پیشین، ص ۹۰؛ واینر، تیم، «سیا و انقلاب ایران»، ترجمه: دکتر عبدالرضا هوشنگ مهدوی، ماهنامه اطلاعات سیاسی -

اقتصادی، تهران، اطلاعات، ش ۲۴۳ - ۲۴۴، ترجمه: ص ۹۹.

^۶ . واینر، پیشین، ص ۹۸.

^۷ . کوزیچکین، ولادیمیر، کا گ ب در ایران (افسانه و واقعیت)، ولادیمیر کوزیچکین، ترجمه: اسماعیل زند و دکتر حسین

ابوترابیان، تهران: انتشارات وفا، چاپ اول، ۱۳۷۰، ص ۲۷۹.

^۸ . همان، ص ۲۶۹.

^۹ . گازپوروسکی، «روابط امنیتی ایران و ایالات متحده ۱۹۷۸ - ۱۹۵۳» در نه شرقی - نه غربی، پیشین، ص ۲۶۹.

^{۱۰} . اسناد لائنه جاسوسی، ج ۸، پیشین، ص ۱۵۷.

شاه، بعد از در دست گرفتن مجدد سلطنت با کمک امریکا بر قدرت خود افزود^۱ و پس از افزایش ثبات سیاسی، توسعه ارتش و افزایش قیمت نفت در ایران، روابط به صورت حمایت از ایران تبدیل شد.^۲ شاه در اوایل دهه ۴۰ شمسی با محدودیت و اعمال فشار برای انجام اصلاحات از سوی امریکا روبرو شد.^۳ او در دهه های ۴۰ و ۵۰ شمسی سیاست خارجی ایران را بدون در نظر گرفتن منافع جامعه در راستای اولویت های خود قرار داد و کم کم ایران را به صورت بازیگر مهمی در منطقه درآورد.^۴ اساس سیاست خارجی ایران را در این سال ها، روابط ایران و امریکا تشکیل می داد.^۵ با پایان یافتن برنامه کمک اقتصادی امریکا، روابط و همکاری های سیا و ساواک، برنامه های دیگر و پیوندهای میان دو کشور، بسیار نیرومند باقی ماندند.^۶ «توسعه و تکامل همکاری های امنیتی ایران و ایالات متحده در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به گونه ای افزایش یافت که در نتیجه مقامات رسمی آمریکا نسبت به اعمال فشار بر روی شاه و به منظور انجام برخی اصلاحات سیاسی با بی میلی و اکراه رفتار می کردند.»^۷

شاه از حمایت شش رئیس جمهور امریکا در شش دوره متوالی برخوردار بود و همه این افراد از سیاست جلوگیری از نفوذ شوروی پیروی می کردند.^۸ در کاخ سفید و وزارت وزارت خارجه امریکا علاقه و اصرار خاصی برای روابط مخصوص و دوستانه با ایران وجود داشت.^۹ حفظ رژیم شاه و برقراری ثبات در ایران بخشی از سیاست جهانی امنیت ملی امریکا در دهه ۱۹۷۰ بود.^{۱۰} در این دهه، ایران جایگاه خود را به عنوان هم پیمان مهم

^۱ . میلانی، پیشین، صص ۹۷ - ۹۵؛ نک: آبراهامیان، پیشین، ص ۵۱۵.

^۲ . اسناد لانه جاسوسی، ج ۸، پیشین، ص ۱۶۳

^۳ . استمپل، پیشین، ص ۹۹؛ نک: گازیوروسکی، مارک. ج، «روابط امنیتی ایران و ایالات متحده»، ترجمه: دکتر احمد شهسا، شهسا، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، س ۷، ش ۵ و ۶، بهمن و اسفند ۱۳۷۱، ص ۴۴؛ میلانی، پیشین، صص ۱۰۲ - ۹۸.

^۴ . گازیوروسکی، سیاست خارجی آمریکا و شاه، پیشین، ص ۴۱۰.

^۵ . همان.

^۶ . همان.

^۷ . گازیوروسکی، «روابط امنیتی ایران و ایالات متحده ۱۹۷۸ - ۱۹۵۳» در نه شرقی - نه غربی، پیشین، ص ۱۵۵.

^۸ . واتکینز، پیشین، ص ۱۴۰.

^۹ . روبین، باری، جنگ قدرتها در ایران، ترجمه: محمود مشرفی، تهران، انتشارات آشتیانی، چاپ اول، خرداد ۱۳۶۳، ص ۱۲۱.

^{۱۰} . درویش سه تلانی، فرهاد، مناسبات امنیتی - نظامی آمریکا و ایران ۱۳۵۷ - ۱۳۳۲، تهران، معاونت تحقیق و پژوهش، چاپ اول، ۱۳۷۶، ص ۱۶۲.

امریکا در خلیج فارس تثبیت کرد.^۱ روابط بین دو کشور اولین بار از سوی ریچارد نیکسون، صمیمانه خوانده شد^۲ و شاه در دهه آخر حکومتش در ارتباط با امریکا از روابط روابط شخصی و دوستانه با مقامات پر نفوذ امریکایی سود می برد.^۳

سیاست خارجی ایران ملهم از تصمیمات شخصی شاه بود و او به شخصه و از نزدیک حیطه روابط خارجی را اداره می کرد.^۴ با قدرتی که او در دهه ۵۰ شمسی پیدا کرد، این روابط، دارای تغییراتی به نفع او گردید. از احترام بیشتری نسبت به گذشته برخوردار گردید و به خواسته هایش بیشتر توجه می شد و این در سایه اهمیت و منافع بود که ایران برای امریکا داشت. شاه به خوبی از منافی که ایران برای آن کشور داشت، آگاه بود.^۵ سیاست ها، منافع و انتظاراتی که کاخ سفید از ایران داشت، از سوی شاه بسیار مهم تلقی می شد و سیاست خارجی خود را با آن کشور بر همین اساس قرار می داد و از مواضع اتخاذ شده امریکا در سطح منطقه ای و بین المللی پیروی می کرد.^۶

فروش های نظامی امریکا به ایران در آخرین دهه سلطنت شاه، تاثیر مهمی در روابط سیاسی دو کشور داشت.^۷ این مسئله سبب شد دو متحد سیاسی به سوی دو متحد نظامی میل کنند.^۸ معامله اسلحه برای دو طرف با مشکلاتی همراه بود که بر مسایل سیاسی سایه می افکند. با این وجود، روابط دو کشور، مستحکم و در سطح خوبی بود.^۹ سیاستمداران امریکایی این روابط خوب را تأیید می کردند. در آذر ۱۳۵۴، هنری کیسینجر وزیر امور خارجه جerald فورد، گفت: روابط دو کشور هرگز بهتر از امروز نبوده است.^{۱۰} و دیوید راکفلر معاون فورد نیز در فروردین ۱۳۵۵، به شاه اطمینان داد ایران

^۱ . پینتر، دیوید. اس، «از آموزه نیکسون تا آموزه کارتر: ژئوپلیتیک نفت در دهه ۱۹۷۰»، ترجمه: دکتر جواد اطاعت و

حمیدرضا نصرتی، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، س ۲۳، ش ۷ و ۸، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۸، ص ۲۰۲.

^۲ . استمپل، پیشین، صص ۱۰۹ - ۱۱۰؛ نک: پهلوی، محمدرضا، پاسخ به تاریخ، تهران، انتشارات البرز، چاپ دهم، ۱۳۸۸، ص ۲۸۹؛ واینر، پیشین، صص ۹۹ - ۹۸.

^۳ . ولایتی، علی اکبر، یک قرن ارتباط (پیشینه ارتباط ایران و آمریکا در سده گذشته و تاثیر تحولات جهانی بر این رابطه)، تهران، انتشارات کانون اندیشه جوان، چاپ سوم، ۱۳۸۶ ص ۱۸۸.

^۴ . پهلوی، محمدرضا، پاسخ به تاریخ، ص ۲۷۹.

^۵ . اسناد لانه جاسوسی، ج ۸، همان، سند ش ۱۷، ص ۱۴۷؛ نک: ولایتی، پیشین، صص ۱۸۷ - ۱۸۶.

^۶ . ولایتی، پیشین، ص ۱۸۹.

^۷ . روبین، پیشین، ص ۱۲۲.

^۸ . آرتم زاونویچ، آراباجان، «جمهوری اسلامی ایران و ابرقدرتها»، ترجمه: مریم بهرامیان، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، س ۳، ش ۳، تابستان ۱۳۷۹، ص ۱۱۳.

^۹ . روبین، پیشین، ص ۱۱۹؛ نک: استمپل، پیشین، ص ۱۷؛ مجله خواندنیها، س ۳۶، ش ۸۲، ۱۳۵۵/۴/۱۹، صص ۸ - ۷.

^{۱۰} . روبین، پیشین، ص ۱۱۹.